



تیتراهای امروز

سلسله عملیات ترور یستی در تهران و چند استان دیگر توسط وزارت اطلاعات خنثی شد

کشف شبکه بمب‌گذاری تکفیری‌ها



صفحه ۲

همشهری‌های فریدون در بانک ملت چه می‌کنند؟

صفحه ۳

سر یال ناکامی‌های عارف در مجلس دهم، با ریاست کاظم جلالی بر مرکز پژوهش‌ها تکمیل شد

هیچستان!

صفحه ۲

روزنه

به عمل کار برآید به «سخنرانی» نیست!

■ سعید حاجی پور *

یکی از انوار درخشان آفتاب تابان برجام، لغو تحریم‌های بانکی است. حال بگذریم از تحریم سوئیت که با آن شوهای اجرا شده توسط بانک مرکزی در مقابل خبرنگاران سرانجامش به کجا کشیده است، اما نقل این روزهای محافل، زیر بار نرفتن بانک‌های محترم بین‌المللی پیرامون معامله و ارائه خدمات به ایران است.

اساسا اگر یکی از مهم‌ترین وجوه تحریم‌های ظالمانه را تحریم‌های بانکی قلمداد کنیم، لغو نشدن این تحریم‌ها در نهایت به معنای لاف بزرگ آل برجام در فتح‌الفتوح بودن آن است. حال داستان از چه قرار است، وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای که پس از اجرائی شدن برجام منتشر کرده است عنوان می‌کند بانک‌های خارجی نمی‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سیستم بانکی آمریکا برای معامله با ایران استفاده کنند و جک لو، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در سخنانی صریح بیان می‌کند: «سیستم مالی آمریکا به روی ایران باز نیست و تا زمانی که ایران رفتار خود را در حوزه‌های غیر هسته‌ای تغییر ندهد، تحریم‌های غیر هسته‌ای باقی می‌مانند». اما مقامات آمریکایی شدت علاقه‌مند هستند با مواضعی شفاف و کلی، طرف ایرانی را متقاعد کنند تحریم‌های بانکی کنار گذاشته شده و برجام به نحو احسن اجرائی شده است.

اما خودداری و ترس بانک‌ها از ایجاد ارتباط با ایران، منجر به سفر رئیس کل بانک مرکزی به ایالات متحده می‌شود تا به گونه‌ای این مشکل مرتفع شود و طرف آمریکایی را وادار کند اطمینان لازم برای بانک‌های نگران اروپایی را فراهم آورد. چند مصاحبه و سخنرانی به اندازه کافی در رفع این نگرانی‌ها کافی نیست و در نهایت جناب جان کری نشستی را با مدیران بانک‌های بزرگ اروپایی در لندن ترتیب می‌دهد تا حضوری آنها را توجیه و موجبات رفع نگرانی را فراهم کند. جلسه‌ای که جلوی دوربین و در حرف مثبت و در پشت دوربین ادامه ایران‌هراسی و فشار برای عدم مبادله و معامله با ایران بوده چرا که نتیجه این جلسه در جای خود بسیار قابل توجه و تأمل است.

چاری اولیویه، سخنگوی داچ بانک: «کاهش تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپایی علیه ایران این انتظارات را افزایش داده که بخش بانکی از شرکت‌های مختلف...»

دوامه در صفحه ۵

بیانیه بی سابقه حاج قاسم سلیمانی:

تجاوز به حریم آیت‌الله شیخ عیسی قاسم برای مردم مظلوم بحرین راهی جز **مقاومت مسلحانه** باقی نخواهد گذاشت

اتمام حجت با حکام بحرین



است. بازداشت غیرقانونی شیخ علی سلمان و دیگر رهبران سیاسی و دینی بحرین در سایه سکوت مجامع بین‌المللی، آل خلیفه را به این گستاخی کشانده تا حریم روحانی برجسته و رهبر دینی شیعیان بحرین، حضرت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم را مورد تهدید قرار داده و تصورات نگران‌کننده‌ای در اذهان مردم منطقه و بحرین به وجود آورد. به نظر می‌رسد آل خلیفه از حرکت مسالمت‌آمیز مردم سواستفاده کرده و بر آورد دقیقی از خشم مردم ندارد. یقینا آنها می‌دانند تجاوز به حریم آیت‌الله شیخ عیسی قاسم خط قرمزی است که عبور از آن شعله‌ای از آتش را در بحرین و سراسر منطقه پدید خواهد آورد و برای مردم راهی جز مقاومت مسلحانه باقی نخواهد گذاشت.

قسطا تاوان آن را آل خلیفه پرداخت خواهد کرد و نتیجه آن جز نابودی این رژیم سفاک نخواهد بود. حامیان آل خلیفه بدانند اهانت به آیت‌الله شیخ عیسی قاسم و استمرار فشارهای بیش از حد به مردم بحرین سرآغاز انتفاضه خونینی است که عواقب آن به عهده کسانی خواهد بود که به گستاخی حکام بحرین مشروعیت می‌دهند.

(و انتصرو ما بعد ما ظلوما و سیعلما الذین ظلماوای منقلب یتقلبون) شعر! ۲۲۷ قاسم سلیمانی

اقتصادی و نوسانات ارزها به صلاح است که به جای وابستگی به یک ارز خاص، سبیدی از ارزهای معتبر جهان مدنظر قرار گیرد تا هم پول ناشی از فروش نفت و هم اندوخته‌ها و ذخایر ارزی کشور با رعایت متنوع‌سازی ارزها محافظت شود که در این صورت هم آسیب‌پذیری سیاسی و هم نوسانات ارزها کاهش خواهد یافت.

نتیجه اینکه، وابستگی صدرصد پول نفت کشورمان به یورو هم به دلیل وابستگی سیاسی اتحادیه اروپایی به آمریکا و تأثیرپذیری این اتحادیه از سیاست‌های آمریکا که در سال‌های اخیر این موضوع کاملا اثبات شده و هم به دلیل نوسانات ارزی یورو که به دلیل مشکلات اقتصادی اتحادیه اروپایی ممکن است یورو تضعیف شود، به صلاح نیست و شایسته است با بررسی‌های کارشناسی لازم سبیدی از ارزهای معتبر جایگزین وابستگی به یک ارز خاص شود که این امر با اقتصاد مقاومتی سازگارتر است، زیرا در سایه اقتصاد مقاومتی نه تنها از تجربیات گذشته باید استفاده کرد بلکه با اتخاذ رویکردهای مناسب، اقتصاد کشور باید به گونه‌ای طراحی و اداره شود تا از نوسانات و تکان‌های شدید که زندگی مردم را دچار مشکلات می‌کند در امان باشد.

* نماینده پیشین ایران در اوپک

یادداشت امروز

چند می‌گیری مدیر بشی؟!

■ مسعود فروغی

افشای حقوق‌های نجومی مدیران دولتی در آستانه آغاز سال پایانی دولت یازدهم چه اهمیتی دارد؟ می‌توان خیلی سریع پاسخ داد این رسوایی مالی جامعه را نسبت به دولت مستقر بدبین می‌کند و شرایط را برای رئیس‌جمهور در کارزار سال ۹۶ سخت‌تر می‌شود. فرضا هم در کارزار انتخاباتی سال آینده حسن روحانی در تنگنای پاسخگویی به این «فارت بیت‌المال» قرار بگیرد هم اتفاق خاصی نمی‌افتد، چرا که دست آخر «عصای توجیه‌ساز» رئیس دولت به عادت مالوف، «دولت سابق» را در این فقره هم «متهم ردیف اول» می‌کند. این یک حدس نیست، چه در دستورالعمل رئیس‌جمهور محترم برای بررسی ماجرا گوشه و کنایه‌ای به دولت قبل خورده بود.

به نظر می‌رسد مهم‌تر از اینکه رقبای سیاسی رئیس‌جمهور از آب گل‌آلود «فیش‌های نجومی» برای خودشان ماهی بگیرند، بررسی نحوه برخورد دولت محترم با این موضوع ضروری است. «عذر خواهی» نرم سخنگوی دولت به خاطر فیش‌های نجومی را وقتی در کنار سخنان صریح رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه «اگر در گوشه‌ای چند نفر حقوق بالاتری را برداشت کردند، آن را تبدیل به مساله ملی نکنیم» می‌گذاریم، سوالی جدی ایجاد می‌شود: «آیا دولت با حقوق‌های نجومی مشکل ذاتی دارد؟»

برای جواب این سوال کار پیچیده‌ای نیاز نیست، تقریبا یک هفته قبل از اینکه اولین فیش‌های نجومی توسط برخی رسانه‌ها افشا شود، احمد توکلی، نماینده مجلس در دوره نهم که از قضا از سوی دولتمردان به‌عنوان «منتقد منصف» شناخته می‌شود، روایت جالبی از حقوق بسیار بالای یک مقام دولتی کرد: «به فلان مسؤول عالی‌رتبه دولتی اعتراض کردم که چرا باید ۲۵ میلیون تومان حقوق ماهانه دریافت کنی؟ گفت من نه سهام دارم و نه کار اقتصادی می‌کنم و نه درس می‌دهم. اگر این حقوق را بگیرم باید این کار را رها کنم». این روایت هیچگاه توسط دولت تکذیب نشد اما بعد از اینکه موج سنگین اعتراض اجتماعی علیه فیش‌های حقوق چنددهه‌میلیونی برخی مدیران دولتی منتشر شد واکنش دولت بسیار معنادار بود.

موارد جالب توجه از توجیه حقوق‌های میلیون‌ها هم‌طور که عقلای دولتی می‌دانند، سخت توسط جامعه قابل هضم است، برای همین این موضوع غیرسیاسی به سرعت توسط دولت سیاسی شد و نیک می‌دانیم که در دعوای سیاسی، «له» یا «علیه» بودن ارزشی نسبی دارد، مهم هدف کوتاهمدت است، برای همین سخنگوی دولت با طرح اتاق فکر «شنبه‌ها» ی مخالفان دولت «شاخ غول» را شکاند! ایجاد دوقطبی سیاسی در این ماجرای حیثیتی که اعتماد جامعه به نظام را تهدید می‌کند پایان ماجرانگیز است.

یکی از رسانه‌های سینه‌چاک دولت محترم که هم «شناسنامه» دارد و هم هیچ‌گاه «به جهنم» دعوت نشده(!) و از قضا بیش از آنکه سیاسی باشد، خود را اقتصادی جلوه می‌دهد، تیر آخر را بر تابوت «فهم واقعیت» از سوی دولتی‌ها زد و افشای این «حق‌خوری تاریخی» را «فساد رسانه‌ای» نام گذاشت.

همانطور که از توصیف‌های اجمالی بالا برمی‌آید مشکل اساسی درباره اینکه مدیران دولتی «چند ده برابر» زبردستان دستمزد دریافت می‌کنند «هنگاه ذاتی» دولت به ماجرانگیز است، اول اینکه قبل از این، به روایت یک نماینده مجلس دستمزد‌دهای بالا در بین مقام‌های عالی‌رتبه دولت مرسوم بوده، بعد از افشای آن هم که ماجرا سیاسی تعبیر شد و ضمن شکستن کاسه کوزه‌ها بر سر دولت قبل تدابیر رسانه‌ای گسترده‌ای برای اینکه «صلا به رسانه‌ها چه؟!» به راه افتاد.

هرچند دولت محترم غیر از ژست‌های سیاسی در عمل به «آزادی بیان» روی خوش نشان نداده است اما حتما خوب می‌داند وقتی سخنگوی یک وزارتخانه در برابر شفاف‌سازی حقوق و دستمزد‌های مسؤولان می‌گوید: «در هیچ کجای دنیا رسانه‌ها نمی‌پرسند که مسؤولان چقدر دریافتی دارند، بلکه وظیفه دستگاه‌های نظارتی است...»

دوامه در صفحه ۵